

اشرف پهلوي

مدخل

دربار پهلوي دوم آمد و شد و زنان بسياري را به خود دیده است. بسياري از اين زنان با توجه به خطمشی حكومتي كشور و دربار از جنبش زنان مسلمان و متدين اين مرز و بوم نبودند، اما در اين بين بودند افرادی که گوي سبقت را در بي بند و باري و نفوذ در حكومت از سايرين ربودند. در مقالاتي که از اين پس خواهد آمد، سعي شده است معاريبي از اين زنان در صفحاتي چند معرفي شوند تا بيش از پيش بخشي از جو اخلاقي، فرهنگي و سياسي حاکم بر دربار محمدرضا پهلوي مشخص گردد. اولين معرفي به اشرف پهلوي، دختر رضاخان و برادر دوقلوي محمدرضا پهلوي اختصاص یافته که مي خوانيد:

اشرف پهلوي

اشرف پهلوي در چهارم آبان ۱۲۹۸ در بیمارستان احمديه تهران همراه برادر دوقلويش محمدرضا متولد شد. مادرش تاج الملوك دولتشاهي - دختر تيمور خان آيرملو از فرماندهان تپ قزاق - يکي از چهار همسر رضاخان پهلوي بود. ۱. اشرف و محمدرضا دوسال بعد از تولد شمس به دنيا آمدند و اين سه نفر و عليرضا پهلوي، تني يکديگر بودند. ۲.

اشرف در مدرسه زرتشتيها تحصيل کرد. زبان فرانسه را توسط مادام «ارفع» در خانه خواند و با مطالعه رمان هايي به زبان فرانسه به داستان هاي عاشقانه فرانسوي علاقه مند شد. او در دوران نوجواني و بلوغ با مهرپور تيمور تاش فرزند وزير دربار رضاخان روابطي داشت اما پس از آن که تيمورتاش به اتهام جاسوسي براي شوروي مطرود رضاخان شد، اين رابطه پايان يافت.

اشرف در ۱۳۱۷ به اصرار پدر و عليرغم ميل باطني اش با علي قوام پسر ابراهيم قوام - قوام الملک - ازدواج کرد. اين ازدواج تنها تا زمان حضور رضا شاه در كشور دوام يافت و پس از تبعيد وي، اشرف بلافاصله از همسرش جدا شد.

در بهمن ۱۳۲۰ که فوزيه همسر اول شاه به حالت قهر عازم مصر شد، اشرف به درخواست برادرش با فوزيه همسفر شد. اما سفر اشرف به مصر و مشاهده ميهمانيها، باشگاههاي شبانه، مجالس رقص و مشروبخواري و معاشرتها و معايشه هاي درباريان مصري، اشرف را بيشتر از گذشته، بي قيد و بند ساخت. اشرف در سفر به مصر عاشق يك کارمند اداره بيمه به نام احمد شفيق شد و او را به تهران آورد و در اسفند ۱۳۲۲ رسماً با وي ازدواج کرد. به دنبال اين ازدواج، شفيق به اصرار اشرف از مليت مصري خود دست کشيد و مليت ايراني پذيرفت.

اشرف در ۱۳۲۵ به مسكو رفت و با استالين ملاقات کرد. در ۱۳۲۶ راهي امريكا شد و با ترومن ديدار کرد. او در ۶ ارديهشت ۱۳۲۶ به رياست سازمان شاهنشاهي خدمات اجتماعي که پايگهي براي جمع آوري پول و ثروت بود منصوب شد. سپس با توجه به توصيه پدرش که از وي خواسته بود در ايران مانده و برادرش را ياري دهد، تلاش کرد در تصميمات شاه نفوذ کند. او تا قبل از کودتاي ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با تشكيل جلسات متعدد به شاه امر و نهي مي کرد. شاه هم که در مقابل خواهر خود کمرو و بي دست و پا بود، به مدت يك دهه تسليم اکثر خواسته هاي او بود. مشاوران و دستياران اشرف در تصميم گيريها، افرادي چون علي سهيلي، عبدالحسين هژير و سپهد علي رزم آرا بودند. اين عده

تسلیم و مطیع محض اشرف بودند. در طول بیش از ۱۰ سال اشرف مرکز ثقل و کانون قدرت و منشاء تأثیرگذاری بر تصمیمات شاه بود و همه مقامهای مهم سیاسی حتی وزیران و سفیران بانظر او تعیین و تأیید می‌شدند. تأسیس نمایشگاههای مد بانوان، فراخواندن مانکنها به ایران، راه‌اندازی قمارخانه‌ها و کازینوهای سلطنتی بابلسر و رامسر، احضار پزشکان برجسته اروپایی برای جراحیهای پلاستیکی به روی چهره وی و خانمهای مورد نظر دربار از جمله اقدامات اشرف در سالهای دهه ۱۳۲۰ بود. در این مدت اشرف به روزنامه‌نگاران، شاعران و روشنفکران نزدیک شد و با آنان جلسات و مجالس مشترک هفتگی ترتیب داد.

اما در دوران قدرت گرفتن مصدق، تبعید اشرف به اروپا به دستور مصدق و قطع ارز مورد نیاز وی، لطمه بزرگی برای او بود. اشرف برای اولین بار مجبور شد تا برای تأمین مخارج روزمره مایملک خود را بفروشد. او تنها از محل فروش لباسها و عتیقه‌جات همراه خود ۳۰ میلیون فرانک به دست آورد. علاوه بر این مبالغ هنگفتی نیز ارز از تجار ایرانی مقیم فرانسه قرض گرفت، اما هرگز به آنان باز نگردانید.

زندگی اشرف در فرانسه با آلودگی‌های اخلاقی فراوانی همراه شد. او در رستورانی در پاریس با جوانی به نام مهدی بوشهری آشنا شد. بلافاصله از احمد شفیق جدا شد و به عقد بوشهری درآمد. این در حالی بود که از شفیق دو فرزند و از علی قوام یک فرزند داشت. ۳

اشرف پس از سه سال تبعید در اروپا، اواخر ۱۳۳۲ به ایران بازگشت و فعالیتهای قبلی‌اش را از سرگرفت. گردآوری ثروت از راههای نامشروع، پورسانت‌گیری، زد و بند با شرکتهای خارجی و سوء استفاده‌های گسترده مالی، تشکیل محافل شبانه و روابط گسترده نامشروع از اقدامات عادی اشرف پس از بازگشت به تهران بود.

در اسناد لانه جاسوسی به نقل از منابع امریکایی آمده است:

«... با وجود اینکه شاه از تجارت‌های مشکوک خواهرش سودی نبرده ولی در متوقف ساختن وی تمایلی نشان نداد و یا قادر به انجام آن نبوده است. در ادوار مختلف مبارزه با فساد در ایران، گاهی به فعالیتهای تجاری ناپسند فرزند اشرف حمله ور می‌شد. این کار سبب شد که شاهزاده شهرام از اینگونه فعالیت کناره‌گرفته و در عوض از طریق مادرش به انجام آنها مبادرت ورزد. تا زمانی که شاه زنده است، اشرف و حیات ضد و نقیضش مایه شرمساری خاندان پهلوی می‌گردد...» ۴

اشرف از ۱۳۳۵ وارد شبکه داد و ستد مواد مخدر شد و از این معاملات میلیاردها دلار ثروت اندوخت و پیگیری بسیاری از محموله‌های مرفین، تریاک و هروئین در کشور به اشرف و افراد وابسته به وی می‌رسید.

اشرف در ۱۳۴۸ به دلیل حمل یک چمدان حاوی تریاک در فرودگاه زوریخ بازداشت شد اما پلیس سوئیس پس از بررسی گذرنامه سیاسی او و با توجه به نسبتش با محمدرضا پهلوی او را آزاد کرد. ۵ با این حال در اسفند همین سال وی به ریاست کمیسیون حقوق بشر ایران نیز منصوب شد!

اشرف در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی بیشتر اموال گرانبها، تابلوها، فرشها و اندوخته‌های خود را از ایران خارج کرد و به منزل مسکونی‌اش در نیویورک و ویلایش در نیس فرانسه برد. هنگام پیروزی انقلاب اسلامی، وی صدها میلیون دلار

در حسابهای بانکی در نیویورک، لندن، پاریس و سوئیس داشت. اشرف اکنون در آمریکا به بیماری آلزایمر دچار شده و حافظه خود را نیز از دست داده است. ۶

پی‌نویس

۱- رضاخان ۴ همسر داشت:

صفیه؟ همدانی - از دودمان قاجار. رضاخان از وی دختری به نام همدانسلطنه داشت.

? تاج‌الملوک دولتشاهی که مادر شمس، اشرف، محمدرضا و علیرضا بود.

توران؟ امیرسلیمان، دختر مجدالسلطنه امیرسلیمانی - که مادر غلامرضا بود.

عصمت‌الملوک؟ دولتشاهی؛ مادر عبدالرضا، احمدرضا، محمودرضا و فاطمه

۲- علیرضا در ۱۳۰۱ متولد و در آبان ۱۳۳۳ در یک سانحه هوایی کشته شد.

۳- فردوست درباره فساد اخلاقی و بی‌بندوباری اشرف چنین می‌گوید:

«اگر قرار شود لیست مردانی که در دوران ۳۷ ساله سلطنت محمدرضا با اشرف رابطه داشتند تهیه شود، علیرغم دشواری و غیرممکن بودن کار، مسلماً لیست طولی خواهد شد و حتی او نیز ممکن است همه را به یاد نیاورد.» (ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج اول، ص ۲۳۲).

۴- از ظهور تا سقوط، مجموعه اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ج ۱، ص ۱۹۶.

۵- زنان دربار به روایت اسناد ساواک، مرکز بررسی اسناد تاریخی، زمستان ۱۳۸۱، ص ۱۶.

۶- زنان دربار، همان، ص ۱۹.